هُوَ
۱۲۱

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

یکی از وظایف هر انسانی که اگر موانع نباشد، خودبه‌خود درست می‌شود ازدواج است ولی اینقدر موانع هست، چه از موانع اجتماعی، چه از موانعِ درونِ خودمان که چندین نامه من داشتم یا شفاهاً گفتند. می‌گویند که ما می‌خواهیم ازدواج کنیم و حتّی خیلی علاقه‌مندند که ازدواجی بشود ولی می‌گویند هر که می‌آید یا صحبت می‌کند، بعد به هم می‌خورد، نمی‌دانند چرا؟ همه از این گله‌مند هستند. ببینید اینهایی که گله‌مند هستند اگر دقّت کنند هم خودشان طالب ازدواج هستند، هم کسی که می‌آید قطعاً طالب ازدواج است، منتها اینجا نمی‌پسندد. پس در اصلِ این مسأله، حرفی نیست، برای انسان‌ها و بلکه برای همه‌ی حیوان‌ها، همه‌ی جاندارها، یک امر طبیعی است. منتها در مورد انسان یک ساز و برگ‌هایی، انسان برای خودش درست کرده که در آن چیزها گیر می‌کند. یکی از چیزهایی که من بارها گفتم مسائل مادّی است یعنی زندگی، امرار معاش. یک جزوه‌ای نوشتم از این جزوه‌هایی که چاپ می‌شود به نام *خانواده*. جزوه‌ای است که یک فصل آن، راجع به همین مسأله‌ی خواستگاری و اینهاست. در بیانی گفتند که باید ازدواج با «همبرش» باشد، گناباد می‌گویند: «همبرش» باشد یعنی مثل هم باشند با این تفاوت که این زن است، آن مرد ولی غیر از آن، همه نوعاً مثل هم باشند. به این جهت هم هست که در غیر شهرها ازدواج بیشتر است و بهتر است. مثلاً تازه در بیدخت که خودش یک شهر شده ولی این خاصیّت روستایی را بیشتر دارد که همه هم را می‌شناسند و زن و شوهر می‌خواهند، با هم زندگی کنند. فقط به‌عنوان زن و مرد نیست که فرض کنید بروند پی کار خودشان، نه! با هم می‌خواهند زندگی کنند و الحمدلله زندگی می‌کنند، روی هم رفته. گواینکه بیدختی‌ها هم از این مشکلات خانوادگی نگران و ناراحت هستند ولی بالنسبه است، نسبت به سابقه‌ی خودشان.

در مسأله‌ی مالی البتّه چون وظیفه‌ی مرد است که هزینه‌ی زندگی را فراهم کند، به این قسمت هر دو حق دارند توجّه کنند. امّا نه اینکه هزینه‌ی زندگی و امرار معاش را ببینند آنطوری که رافلر مثلاً سفره می‌چیند، آنطور باشد یا آنطوری که نمی‌دانم فلان‌کس، نه! هر دو باید به این نظر کنند و آن هم به‌این‌طریق حل کنند یعنی وقتی که هم را پسندیدند و خواستند ازدواج کنند، اوّلاً بدانند و توجّه کنند که زنی وقتی همسر می‌گیرد یا مردی همسر می‌گیرد، درست است که مرد باید برود زحمت بکشد و بیاورد منزل خرج کند ولی وقتی از اختیارش خارج است، نمی‌شود این کار را کرد. در این صورت نباید زن به او طعنه بزند، به‌عکس در این مورد باید خیلی کوتاه بیاید و حتّی بگوید عیبی ندارد، غصّه نخور، باز پیدا می‌شود و برای کار پیدا کردن کمکش کند و همچنین این را به او بگوید که احساس آرامش

کند چون برای یک شوهر تلخ‌ترین چیز و ناراحت‌کننده‌ترین چیز این است که نتواند آن وظایف خودش را انجام بدهد. یکی از این وظایف تهیّه‌ی وسایل زندگی ماهاست. اگر توجّه کرده باشید یک طبقاتی هستند که مردم کمتر به آنها توجّه دارند یا به حرف‌هایشان کمتر توجّه دارند، غالباً اینها بعضی کلمات قصارِ جالبی می‌گویند. گداها، روانشناسان خیلی خوبی هستند. مثلاً آقای دکتر آزاده می‌گفتند (خدا رحمت‌شان کند) من از مطب که می‌آیم بیرون گاهی اوقات یک گدایی آنجا هست، می‌گوید: به طبیب محتاج نشوی. خدایا! چشمت سالم باشد. درست اینها برمی‌گردد به روحیّه‌ی کسانی که آنجا هستند. یا گداها می‌گویند که به خجالت زن و بچّه گرفتار نشوی، یک چنین عبارتی. راست می‌گویند، روانشناسی خوبی دارند. دریوزه‌ها، دریوزگی‌ها در مورد شغل خودشان، کار خودشان که البتّه ما برای همیشه به این توجّه نداریم ولی همین‌قدر باید توجّه بکنیم که این حرفی که می‌زنند از روی شناخت روحیّه‌ی مردم است. باید در آن‌صورت وقتی که مرد گرفتاری پیدا کرد، نتوانست شغلی پیدا کند، کاری پیدا کند یا اینکه شغلی، کاری دارد ولی مثلاً درآمدش کم است در این‌صورت هم، باید زن این فکر را بکند که آسایش، آرامش و لذّت یک زندگی‌ای که با همدلی باشد آنقدر مهم است که می‌شود با آن گرسنگی کشید. گرسنگی را کشید ولی در منزل آرامش داشته باشند. یکی از جهات این است.

یکی از جهات دیگر که الان خیلی هست مسأله‌ی خواستگاری است. برای خواستگاری (این را من در آن جزوه هم نوشتم) وقتی که خواستگاری با خبر قبلی می‌شود و می‌آید، این گرفتاری را دارد که هر دو طرف خیلی تصنّع به‌کار می‌برند. مرد یک ماشین خیلی لوکسی کرایه می‌کند با آن می‌آید، زن هم که می‌خواهند منزل او بیایند، همین وضعیت را درست می‌کند. بعد اینها ازدواج که کردند، مرد که زندگی زن را دیده تصوّرش این است که اینها زندگی خیلی موفّق و خوبی دارند. ظهر که می‌شود این مرد می‌گوید کو این لله‌ی تو؟ ندیمه‌های تو که نیامدند! آن هم به دروغ می‌گوید: امروز مثلاً رفتند استراحت. فردا می‌شود همینطور، بعد پس‌فردا هر دوشان می‌فهمند که هیچی ندارند. آنوقت دروغ است و حال آنکه لازم نیست چیزی از این قبیل داشته باشند. چه زن، چه مرد همانطوری که هستید، نه از آن‌طرف خودش را فقیر و ندار معرفی کند، جلوه بدهد و نه بالعکس. هر دو بدانند که زندگی‌شان همین است چون یک رکن اصلی زندگی‌ها، هر زندگی‌ای امرار معاش است که از کجا نان درآورند زندگی کنند؟ این را رعایت کنند. غالب مردها دیدم که هیچ توجّهی به خوراک ندارند، اگر دل‌شان خوش باشد، هر چه جلوی‌شان باشد برای‌شان ناهار است و شام و قبول می‌کنند.

بعد مسأله‌ای که در این قرون اخیر پیدا شده این است که زن نسبت به قوم و خویش‌های شوهرش و شوهر نسبت به قوم و خویش‌های زنش بی‌اعتنایی می‌کند و یا مثلاً حتّی عناد ممکن است و این هم از مواردی است که خیلی جدایی را عمیق می‌کند و حال آنکه ازدواج برای این است که دو تا خانواده با هم یکی بشوند، نه اینکه دو تا خانواده از هم جدا بشوند و در خودشان هم اختلاف باشد، نه! عروس و داماد هر دو باید هدف‌شان و میل‌شان و حتّی اقدامات‌شان بر این باشد که اینها را با هم جوش بدهند. برای اینکه همه‌ی مردم که ما می‌بینیم، بنی‌آدم برادر، خواهر هم هستند، همه‌شان مثل هم هستند. این تقسیم‌بندی هم حتّی که شهر و مملکت و اینها شده، اینها یک چیزی است مثل

بازی بچّه‌ها که یکی شاه می‌شود و یکی وزیر می‌شود. اینها هیچ‌کدام مرد را از اثر نمی‌اندازد، از حیثیّت نمی‌اندازد، همینطور زن را. مرد، یک انسانی است از نوع مذکّر و زن یک انسانی است از نوع مؤنّث، فقط همین است، هیچ تفاوت دیگری بین اینها نیست. خداوند می‌فرماید: إِنَّا خَلَقْناکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَ أُنْثی وَ جَعَلْناکُمْ شُعُوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفُوا (سوره حجرات، آیه ۱۳) همه‌ی شما را از یک مردی و زنی، یا مردی یا زنی خلق کردم و بهترین شما نزد خدا کسی است که از همه باتقوی‌تر باشد. این تکلیف را معیّن کرده بنابراین شما به‌هیچ‌وجه نباید فکر کنید که فلان‌کس چون مالی ندارد، اینطوری است. خیلی‌ها بودند که هیچ مالی نداشتند ولی در اثر کوشش و زحمت با هم به دست آوردند و آنوقت این اثری که از روی مهربانی بین این دو فرد، عروس و داماد آینده و یا بین فامیل‌شان باشد، در نسل بچّه‌ها خیلی مؤثّر است. حضرت یعقوب چندین زن داشت (آنوقت‌ها خیلی آسان بود) که از دختران دایی‌اش بود، از همه‌ی آنها هم اولاد داشت حضرت یعقوب دوازده پسر و چندین دختر داشت ولی چطور در میان این همه اولاد به یوسف و بنیامین از همه بیشتر علاقه‌مند بود؟ اینقدر به آنها علاقه‌مند بود که آنهای دیگر حسادت‌شان شد. شاید به جهت این بوده که راحیل مادرشان بود و یعقوب خواستگار راحیل بود و او را خواستگاری کرد ولی پدر و مادر او کلاه سرش گذاشتند، خواهر راحیل را فرستادند که بعد ناراحت شدند. فرزندانی که از راحیل دارد یوسف و بنیامین است که آنها را علاقه داشت و این دو تا هم که مورد علاقه بودند، به‌حق مورد علاقه بودند. به‌هرجهت این رعایت‌ها را در مورد خواستگاری بکنید.

و امّا اخیراً، نه خیلی اخیراً یعنی در بعضی جاها دیدم خیلی کم ولی از این مرحله بعضی‌ها می‌گویند که: اصلاً چرا مرد باید خواستگاری بکند؟ زن هم حق دارد. این خیلی ناشیانه است. خودتان اگر فکر کنید، می‌فهمید ناشیانه است و در تاریخ بشر چنین چیزی سابقه ندارد و حتّی در تاریخ حیوانات. خداوند از قدرت‌های خودش می‌گوید و از نعمت‌هایی که برای بشر فراهم کرده و به بشر می‌گوید که از آیات خداوند است، می‌فرماید: أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجاً لِتَسْکُنُوا إِلَیها وَ جَعَلَ بَینَکُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً (سوره روم، آیه ۲۱) از آیات و نشانه‌های خدایی است یعنی خداوند این وضعیت را در طبیعت و در فطرت آفریده، چه برای زن و چه برای مرد، جفت آفریده. برای خاطر این که هر کدام به سوی دیگری یعنی با روابطِ با دیگری آرامش پیدا کند و این آرامش و این تمایل پیدا کردن، مال این است که جَعَلَ بَینَکُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً. خداوند بین اینها بطور فطری محبّت آفریده است، البتّه محبّت فطری است ولی دشمنی چیزی است که بشر از خودش درآورده. حتّی هابیل و قابیل هم که قابیل، هابیل را کشت، دشمن نبود. می‌گفت که چرا او مورد محبّت باشد، من نباشم؟ گفت: او را از بین می‌برم، نه اینکه با او دشمن بود، می‌خواست کسی نباشد غیر از خودش که مورد محبّت باشد. محبّت از جانب خداست ولی عناد و دشمنی از جانب خود ماست. سعی کنید تا می‌شود از این داده‌ی خدا استفاده کنید.

خداوند بشر را که آفریده از طرفی مثل همه‌ی حیوانات به این وظیفه داده که ایجاد نسل کنند، ازدواج بکنند ولی چون نظر خداوند هم بر این است که رو به تکامل باشد، این است که برای تمام

موجودات و ظهور این آمادگی سنینی قرار داده که در این سنین این کار، به‌اصطلاح مؤثّر و مفید است وإلّا اگر آن رعایت نشود، هدف کاملاً صحیح به‌وجود نیامده. منتها برای انسان‌ها چون خودش یک وسایلی، یک اوضاعی فراهم کرده که یک مسائلی غیر از فطرت بر او حکومت می‌کند. مثلاً در یک سنینی باید خانه‌داری را فرض کنید یاد بگیرد یا اگر مثلاً اینطور شد که همه‌ی مردم باید فیزیک هسته‌ای بدانند، باید بروند فیزیک هسته‌ای بخوانند. منظور این است که این مدّت برای زن سنین خاصّی دارد، مثلاً یک زنِ بیست و دو، سه ساله با یک زنِ سی و هفت، هشت ساله مسلّماً این آمادگیِ بیشتر دارد و چون آمادگی دارد، بیشتر به او توجّه می‌شود. چون جامعه یک تمایلات تصنّعی در غالب اینها ایجاد کرده که مثلاً فکر می‌کنند درس خواندن در این دانشکده‌ها و با این دیپلمه‌ها خیلی مهم است، نه! علم خیلی مهم است، بله ولی هر چه هم مهم باشد مهمتر از خود ازدواج و فطرت نیست. به‌علاوه این دانشکده‌ها، این درس‌ها علم نیست. به آن حساب از سنینی که امکان و آمادگی ازدواج دارند، رد می‌شوند و به سنّی می‌رسند که این دوران گذشته، آنوقت توقّع دارند که مثل قبل بشود، نمی‌شود. مرد هم همینطور است. البتّه در مرد این مشکل کمتر هست.

نکته‌ی دیگری که باز هست وضع خاصّ زندگی، این وضعیتی که می‌بینیم ایجاد کرده که مردها مثلاً یک روش‌های خاصّی فکر می‌کنند، می‌پسندند و زن‌ها دنبال آن هستند. مردها برای زندگی هرگز آن آرتیست‌های سینما، آنها را نمی‌پسندند و این است که دیدید در مورد آنها طلاق هم فراوان است. برای اینکه ازدواج غیر از همزیستی است، اضافه بر همزیستی، همدلی هم دارد. این اشتباه را می‌کنند یک کاری می‌کنند که می‌بینیم مدها همه می‌رود به آن سمتی که ازدواج را کم کند. در سنینی که باید و می‌شود ازدواج کرد از ازدواج فراری بشوند و این صحیح نیست، این خلاف امر خدا و امر طبیعت است و خیلی حرف‌های دیگر هست که خودتان فکر کنید. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح چهارشنبه، ۱۳۹۴/۲/۱۶)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجّاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید.